

Magical realism in gharyeh novel by Mohamad maoulai

Ali Hassan Sohrabnejad*

Fariba Tavan**

Abstract

One of the branches of the school of realism is magical realism, which is an innovative and new way of writing stories, in which the elements of reality and fantasy are combined in such a way that the border between them is not easily recognizable and the reader easily accepts it, in fiction works, attention to magical realism has been paid attention to by writers in order to know more about this school. In this research, an attempt has been made to theoretically examine this writing style in the novel *Village* by Ilami writer Mohammad Moulai, and that dealing with magical realism can bring another lens of native fiction to the audience. Moulai, in paying attention to magical realism, includes components such as realistic description of details, the role of talismans and demons, the use of magic and jinn, the use of imagination and illusion, amazing events, duality and opposition, symbolism and mystery. He has used conflict, voluntary silence, specific timing, exaggeration, local customs and superstitions. The author establishes a close connection between the world he created in the village and the real world and has used a believable tone in combining reality with imagination. The author's thinking in creating magical realism in the village novel is rooted in thoughts and ideas that are associated with the supernatural factor. Benefiting from the factor of magic and genie have the highest frequency and the use of conflict has the lowest frequency in the village novel. The author's use of magic and the group of goblins has

* Assistant professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University (Corresponding Author), sohrabnejad@pnu.ac.ir

** M.A.in Persian language and Literature, Humanities faculty, Payame Noor University, farybatawan@gmail.com

Date received: 27/08/2023, Date of acceptance: 14/11/2023



caused the element of fantasy to come along with the author in this composition and create otherworldly images.

Keywords: magical realism, village novel, fictional literature, Mohammad Maoulei.

رنالیسم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی

علی حسن سهراب نژاد*

فریبا توان**

چکیده

یکی از شاخه‌های مکتب رنالیسم، رنالیسم جادویی است که شیوه‌ای بدیع و جدید در داستان‌نویسی است و در آن عنصر واقعیت و خیال چنان با هم ترکیب می‌شوند که مرز میان آن‌ها به راحتی قابل تشخیص نیست و خواننده به راحتی آن را می‌پذیرد، در آثار داستانی نیز مدت‌هاست توجه به رنالیسم جادویی در جهت تأثیرگذاری بیشتر توجه نویسندگان قرار گرفته است. روش این پژوهش به گونه استقرایی، براساس مطالعه کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی است. اساس این مطالعه مبتنی بر بررسی سبکی و ساختاری ۱۲ مؤلفه‌ی مهم رنالیسم جادویی در این رمان است که می‌تواند دریچه‌ای دیگر از ادبیات داستانی بومی را به روی مخاطب بگشاید. نتایج نشان می‌دهد مولایی در توجه به رنالیسم جادویی از مؤلفه‌هایی همانند: توصیف واقع‌گرایانه جزئیات، نقش طلسم و دیو، بهره‌مندی از عامل جادو و جن، استفاده از تخیل و توهم، حوادث شگفت‌انگیز، دوگانگی و تقابل، نمادگرایی و رازگونگی، کشمکش، سکوت اختیاری، زمانمندی خاص، اغراق و مبالغه و آداب و رسوم بومی و خرافه‌ها استفاده کرده است. نویسنده، بین جهانی که در قریه خلق کرده با دنیای واقعی ارتباطی تنگاتنگ برقرار می‌کند و در ترکیب واقعیت با خیال، لحنی باورپذیر را به کار برده است. به نظر می‌رسد تفکر نویسنده در خلق رنالیسم جادویی، ریشه در اندیشه‌هایی دارد که با عامل ماوراءطبیعت همراه

* استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)،

sohrabnejad@pnu.ac.ir

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، farybatawan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳



شده است. بهره‌مندی از عامل جادو و جن بیشترین بسامد و استفاده از کشمکش، کمترین بسامد را در رمان قریه داشته‌اند. استفاده نویسنده از جادو و گروه اجنه باعث شده تا عنصر خیال نیز در این ترکیب با نویسنده همراه شود و تصاویری ماورایی را به وجود آورد.

کلیدواژه‌ها: رئالیسم جادویی، رمان قریه، ادبیات داستانی، محمد مولایی.

۱. مقدمه

یکی از شاخه‌های رئالیسم در مکاتب ادبی با عنوان رئالیسم جادویی نام‌گذاری شده است که

در این نوع داستان‌ها ترتیب توالی زمانی به هم می‌ریزد و روایت زمانی وقایع استادانه جابه‌جا می‌شود، داستان‌ها با بهره‌گیری از ویژگی‌های قصه، علوم خفیه و با تهرنگی از توصیفات اکسپرسیونیستی و سوررئالیستی یا سوپرنرئالیسم به معنی گرایش به ماورای واقعیت یا واقعیت برتر روایت می‌شود (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۸۸).

در آثاری که به شیوه رئالیسم جادویی نوشته می‌شوند، همه چیز طبیعی به نظر می‌رسد اما عاملی غیرطبیعی و یا جادویی نیز در آن وجود دارد.

درواقع باید گفت که

در داستان‌نویسی سه دهه بعد از انقلاب اسلامی تحولات چشمگیری به لحاظ تأثیرپذیری از جریان‌های ادبی جهان اتفاق افتاده است. بعضی از نویسندگان به خلاقیت فکری و اندیشگی این جریان‌ها و جنبش‌های ادبی را به سمت و سوی باورهای اعتقادی و فرهنگی خود سوق داده، زمینه یک گفتمان را با تأکید بر نقش بسیار قوی زبان فراهم کرده‌اند. تا حدی که نقادان در مطالعه و مقایسه آثار ادبی درون مرزی با برون مرزی یا دو اثر درون مرزی در زمانی، به توانایی نویسندگان ما در گرفتن تحولات و ایجاد یک دگردیسی فکری و فرهنگی، آگاه خواهند شد (حجازی، ۱۳۹۴: ۸۲).

رئالیسم جادویی را باید شیوه‌ای جدید به شمار آورد که به طور معمول درون‌مایه‌ای با ویژگی‌های خیالی و نامأنوس دارد. ادبیات و تاریخ درواقع آمیزه‌ای از مجاز و حقیقت هستند که چنان در متون ادبی به هم پیوند خورده‌اند که شناختن آن‌ها از هم گاه دشوار و سخت می‌گردد. تکیه و اساس رئالیسم جادویی بر تخیلات نویسنده است و در این میان، اسطوره‌ها، رمز و رازها و خرافات و باورهای مردمی قلمرو مناسبی برای فعالیت این تخیلات

رنالیسم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی (علی حسن سهراب نژاد و فریبا توان) ۱۴۱

به‌شمار می‌روند. به بیانی دیگر در رنالیسم جادویی، عامل واقعیت با خیال، رؤیا، جادو و عناصر ماوراءالطبیعه چنان درهم می‌آمیزد که تشخیص دادن آن‌ها به راحتی میسر نمی‌باشد و درنهایت مجموعه‌ای به دست می‌آید که هیچ‌گونه شباهتی با خیال محض و یا واقعیت محض ندارد. باید گفت که مهم‌ترین ویژگی داستانی که به سبک رنالیسم جادویی نگاشته می‌شود عبارت است از:

درهم آمیختگی یا مجاورت واقعیت و خیال یا وهم، چرخش هنری زمان، روایات یا پیرنگ‌های پیچیده یا حتی بسیار پیچ در پیچ، کاربرد متنوع رؤیاها، افسانه‌ها و قصه‌های پریان، توصیف‌های اکسپرسیونیستی و حتی سوررئالیستی، عقاید و باورهای شگفت‌انگیز، عنصر غافل‌گیری و شوک ناگهانی، دهشت و توجیه‌ناپذیری برخی وقایع (پورنامداریان و سیدان، ۱۳۸۸: ۴۶).

یکی از آثاری که می‌توان آن را نمودی از رنالیسم جادویی به‌شمار آورد، رمان قریه از محمد مولایی نویسنده ایلامی است. در مقاله پیش رو، نخست به بررسی چگونگی ایجاد رنالیسم جادویی در داستان‌نویسی اشاره شده است و آن‌گاه تعاریفی از رنالیسم جادویی از نگاه منتقدان ادبی بیان گشته است. در ادامه به بررسی و معرفی مؤلفه‌های رنالیسم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی پرداخته شده است. هدف مقاله حاضر پیدا کردن مهم‌ترین گزاره‌های رنالیسم جادویی در رمان قریه بوده است تا بتواند این رمان را جزو آثاری که در این حیطه تدوین شده، جای دهد. مولایی در رمان قریه و در توجه به رنالیسم جادویی سعی کرده تا با نگاهی موشکافانه و ریزبین عناصر رنالیسم جادویی را پیش چشم مخاطب قرار دهد و در قالب رمان، این مفاهیم را عرضه کند و پاسخگوی این سؤال باشد که عناصر مورد نظر در این پژوهش که در رنالیسم جادویی هستند، در این رمان چگونه بازنمایی شده‌اند.

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

ادبیات معاصر ایران آثار بسیاری به شیوه رنالیسم جادویی نوشته شده‌اند و همین موضوع سبب خلق دریچه‌هایی نو و بدیع در ادبیات داستانی شده است. در واقع رنالیسم جادویی زمینه را برای خودآگاهی نویسنده فراهم می‌کند و از طرف دیگر، آن‌ها می‌توانند با انتخاب مفاهیمی چون افسانه، رؤیا، فرهنگ و ... که با اجتماع درآمیخته شده‌اند، مردم را به سمت بیداری و

آگاهی از فرهنگ خود سوق دهند. این پژوهش از نخستین کارهای داستانی در حیطه رئالیسم جادویی در استان ایلام و استفاده کردن از ظرفیت‌ها و توانش فرهنگی کهن منطقه است، و نگاهی ویژه به رئالیسم جادویی دارد و برای همین انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد.

۳. پیشینه تحقیق

رئالیسم جادویی را باید روشی جدید در داستان‌پردازی به شمار آورد که خیال و واقعیت را درهم می‌آمیزد و اثری جذاب و زیبا را برای خواننده خلق می‌کند. در این میان پژوهشگران نیز به بررسی این آثار و شاخصه‌های تأثیرگذار در این نوع سبک همت گماشته‌اند و به خوانش و نیز تحلیل این آثار پرداخته‌اند.

پوریزدان پناه کرمانی، آرزو (۱۳۹۹)؛ در مقاله‌ای تحت عنوان واکاوی مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان دخیل هفتم از محمد برزگر، به این نتیجه رسیده که پانزده مؤلفه رئالیسم جادویی در این رمان وجود دارد. استفاده از خوارق عادات و کرامات عرفانی و کشف و شهود، بهره‌گیری فراوان از خواب و رؤیا و جایگزینی آن به جای وهم و خیال، استفاده از رایحه‌های خوش و معنوی به جای بوهای متعفن، جایگزینی عنصر رنگ به جای صدا و به کارگیری نمادین اعداد مقدس، کنارزدن سحر و جادو با عناصر عرفانی برخی از دگرسی‌های مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در این رمان بوده است.

طایفی و رحیمی (۱۳۹۵)؛ در مقاله‌ای با نام نقد مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان آخرین انار دنیا اثر بختیار علی، این نویسنده از شاخصه‌هایی چون وهم و خیال، همزیستی مسالمت‌آمیز، اسطوره و دوگانگی بهره برده است.

سرباز و محمدی (۱۳۹۵)؛ در مقاله‌ای با نام بررسی مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان ئیواره په روانه ی بختیار علی، این امر را بیان کرده است که بختیار علی این مؤلفه‌ها را در قالب دوگانگی و تقابل جهان خیالی و واقعی، رازگونگی پرواز پروانه‌ها در جای جای رمان به ویژه در روز اعدام پروانه، استحاله پروانه به گرد و غبار، کشمکش پروانه برسر دنیای خیالی، عینیت در غبار شدن پروانه‌ها و صدا و بو در صدای مرگ و بوی خون به کار برده است.

رنالیسم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی (علی حسن سهراب نژاد و فریبا توان) ۱۴۳

پرنیان، موسی و دیگران (۱۳۹۳)؛ در مقاله‌ای با نام رنالیسم جادویی و افسانه‌های عامه کردی (با تکیه بر کتاب چپروک)، شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان افسانه‌ها و قصه‌های کردی (چپروک) را با سبک رنالیسم جادویی بررسی کرده‌اند.

مسجدی، حسین (۱۳۸۹)؛ در مقاله‌ای با عنوان رنالیسم جادویی در آثار غلامحسین ساعدی، برای نخستین بار در نقد ادبی، انواع گوناگون این موجودات و دگردیسی‌های انسانی، در قالب این سبک بررسی کرده است. به نظر می‌رسد که دلیل گرایش نویسنده، به این شیوه، شرایط دشوار سیاسی و اجتماعی روشنفکری در دهه‌های سی، چهل و پنجاه باشد.

۴. مختصری از زندگی محمد مولایی

محمد مولایی در سال ۱۳۶۸ در روستای آبهر پائین (نئلیشه‌روان) از توابع شهرستان بدره، از استان ایلام و در خانواده‌ای پرجمعیت چشم به جهان گشود. وی درباره رمان قریه می‌گوید:

حدود هجده یا نوزده سال سن داشتم که پیرزنی روستایی برای من داستانی نقل کرد. طوری که آن پیرزن می‌گفت، این داستان سینه به سینه از قدیم‌الایام نقل شده است. داستان در دنیای ماوراءالطبیعه شکل گرفته و در آن، حرف از شیخ و جن و پری و مردم و حیوان و طبیعت بود. یاد می‌آید که داستان حدود یک ساعت، شاید هم بیشتر طول کشید. بعد شنیدن داستان با خودم فکر کردم که این داستان چه ایده جالبی برای رمان می‌شود. مدام به داستان و شخصیت‌ها و طرز روایت پیرزن فکر می‌کردم، مدام با خود فکر می‌کردم و می‌گفتم که چگونه می‌شود این داستان را آغاز کرد؟ سپس به این نتیجه رسیدم که من هنوز سواد و تجربه کافی برای نوشتن چنین داستانی ندارم اما رنجی که در زندگی کشیده بودم باعث شد تا دست به نوشتن این اثر بزنم. شش سال گذشته بود و من تمام داستان را فراموش کرده بودم. پیرزن هم فوت شده بود و من تنها بن‌مایه داستان را به یاد داشتم. هیچ چیز حتی یک تصویر کوچک هم از داستان را به یاد نداشتم، اما می‌خواستم بنویسم. نیروی درونی در من شکل گرفته بود که رهایم نمی‌کرد. یک احساس قدرتمند که مرا روبه جلو سوق می‌داد و درنهایت شروع به نوشتن این اثر کردم (مصاحبه با نویسنده، ۲۶/۱۴۰۱).

۵. خلاصه رمان قریه

داستان خانواده‌ای است که از شهر به روستایی به نام قریه کوچ می‌کنند و پسر خانواده به صورت اتفاقی با یکی از اجنه دوست می‌شود. همان جن از پسر می‌خواهد تا طلسمی که در خانه کدخدا پنهان شده را برای وی بیاورد. این سرآغاز داستانی است که پسر داستان با اتفاقات دیگر نیز روبه‌رو می‌شود و وقایع دیگری نیز در این بین رخ می‌دهد. پسر راوی داستان به این دلیل که نمی‌تواند طلسم را برای پیرمرد جن‌زاده بیاورد و آن را عامل خیانت مردم سرزمین خود می‌داند درمقابل فرمان پیرمرد سرپیچی می‌کند، وی نیز از این عمل راوی خشمگین می‌شود و او را پری‌ای که جن‌زاده و دوست راوی است تهدید می‌کند. راوی چاره‌ای را مقابل خود نمی‌بیند و به دستور پیرمرد به سرزمین دیوها تبعید می‌شود. بعد از ده سال و تحمل شکنجه‌های زیاد در سرزمین دیوها وی به قریه بازمی‌گردد و همه جا را با تغییرات زیادی همراه می‌بیند، در این میان حوادث زیادی برای راوی پیش می‌آید و او با جنی به نام اینانا آشنا می‌شود و سعی دارد تا قریه را از جنیان نجات دهد اما در نهایت به اعدام محکوم می‌شود.

۶. رئالیسم جادویی و مؤلفه‌های آن

در بیان و ترسیم رئالیسم جادویی تعاریف مختلفی را از آن ارائه کرده‌اند که باید گفت رئالیسم جادویی «تلفیقی از عنصر سحر و رؤیا با حقایق و جزئیات روزمره زندگی است که سیر منطقی روایت را دگرگون می‌کند. در بطن آثار رئالیسم جادویی می‌توان عناصر اسطوره‌ای، افسانه‌ای، نماد، فراحقیقی و وهم را به وضوح دید» (موسوی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۶۱). در واقع پرداختن به طردشده‌ها و ستم‌دیده‌ها که در بستری آمیخته با خیال و واقعیت شکل گرفته را باید به عنوان اصلی مهم در نزد نویسندگان رئالیسم جادویی به شمار آورد و در واقع این امر را باید کندوکاوی در ارتباطات غریب و دور از ذهن یک ملت محسوب کرد.

رئالیسم جادویی بر این است تا با استفاده از شیوه‌ای ادبی ترکیب‌هایی متناقض را از اتحاد امور ناهمگون و متضاد به وجود آورد. نویسنده در آن واقعیت و خیال را با هم ترکیب می‌کند و از طرفی کارکردهایی که برای رئالیسم جادویی وجود دارد متعلق به واقعیت و حقیقت هستند. باید گفت که

رنالیسم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی (علی حسن سهراب نژاد و فریبا توان) ۱۴۵

رنالیسم جادویی ترکیبی است از دو عنصر واقعیت و تخیل که این دو عنصر به گونه‌ای با هم آمیخته می‌شوند که تشخیص آن‌ها به صورت جداگانه آسان نیست. در این ترکیب حوادث فرا واقعی و خیالی طوری در داستان گنجانده می‌شوند و با واقعیت عجیب می‌شوند که گویی اتفاق غیر منتظره و عجیبی روی نداده است و داستان در مسیر طبیعی خود پیش می‌رود. بنابراین رنالیسم جادویی را نمی‌توان در زمره آثار فانتزی و خیالی انگاشت زیرا آنقدر از واقعیت فاصله نمی‌گیرد که بتوان منکر آن در تمام عرصه‌ها و در تمام مدت زمان داستان شد. از همین جا می‌توان دریافت که علی‌رغم حضور عناصر سحر و جادو، رؤیا و خیال، حوادث خیالی همیشه با دنیای واقعی مرتبط است تا مانع از آن شود که داستان در تمامیت خود به سوی خیال‌پردازی صرف و رؤیاگونه در غلتد (نیکویخت و رامین نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

پایه و بنیاد رنالیسم جادویی با خیال صرف، هم‌خوانی نداشته است و باید گفت که

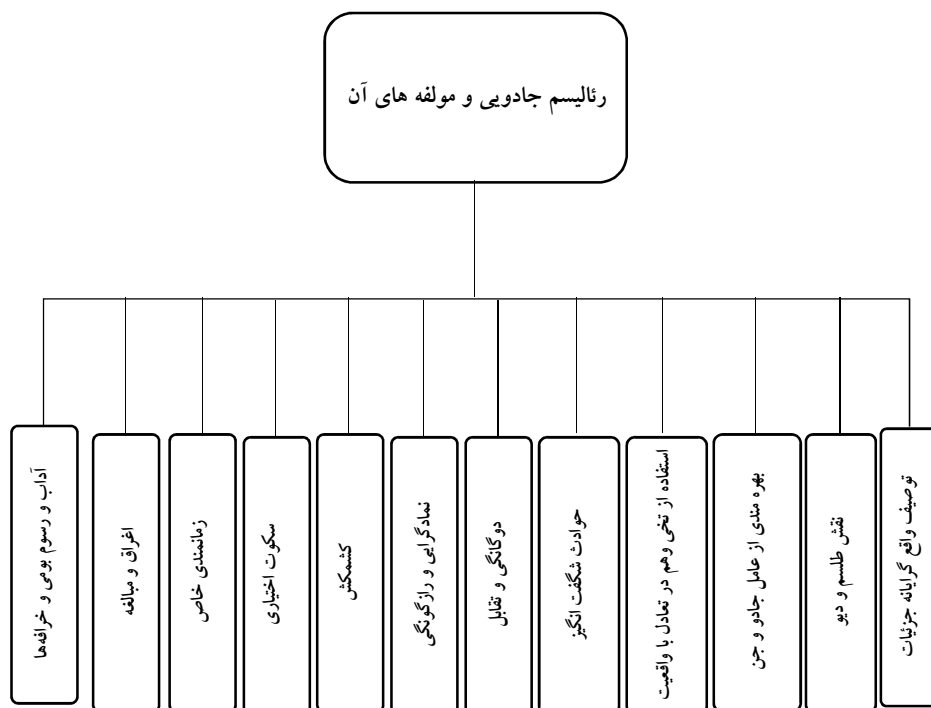
رنالیسم جادویی مرزهای واقعی را به گونه‌ای بی‌کران، گسترش می‌دهد و در این حال که ذاتاً در واقعیت قرار گرفته، چنان عادی می‌شود، که ویژگی باورپذیری را به خود می‌گیرد. متون رنالیسم جادویی، آینه‌ای در برابر مخاطب خود می‌گذارد تا به خودآگاهی برسد؛ همین خودآگاهی، عاملی می‌شود تا خواننده با آنچه در متن می‌گذرد، به نوعی هم‌ذات‌پنداری برسد (صفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

پاسخ به نیازهای انسان امروزی را باید در حیطه رنالیسم جادویی نیز دنبال کرد، که در عصر و زمان تکنولوژی برای پناه بردن به جهان پر از رمز و راز اسطوره‌ها به دنبال دلیلی منطقی می‌گردد. یعنی همان جایی که تکنولوژی عقلانیت جا را برای جهان فراواقع و خیال تنگ کرده است عنصر رنالیسم جادویی ظهور پیدا می‌کند.

هم‌چنین باید گفت که

رنالیسم جادویی می‌توان سبکی تلقی کرد که هر چند بیشتر تداعی گر نام آمریکای جنوبی و به ویژه گابریل گارسیا مارکز است اما بیشتر خاص ملل جهان سوم است. ظاهراً برخی از نویسندگان که به این سبک داستان‌هایی نگاشته‌اند، پیش از آشنایی با نام آن و حتی گاه پیش از ظهور بزرگان این سبک داستان‌هایشان را در وطن خویش منتشر ساخته‌اند (سیدحسینی، ۱۳۸۱: ۳۱۷).

رنالیسم جادویی این امکان را فراهم می‌آورد که یک نگاه انتقادی را در خود جای دهد و یا این‌که بتواند دست‌مایه اهداف سیاسی گردد. اما باید گفت که «آثار رنالیسم جادویی بر هم‌زیستی و اهمیت خرد جمعی تأکید دارند» (حنیف، ۱۳۹۷: ۱۸).



۷. بررسی عناصر رنالیسم جادویی در رمان قریه

رنالیسم جادویی در داستان نویسی معاصر شیوه‌ای نوین به شمار می‌رود که طبیعتی دوگانه را در ذات خود به همراه دارد و درواقع از آن به صورتی یاد می‌شود که می‌تواند دو الگوی جادویی و واقعی را در کنار یکدیگر نشان دهد. در رمان قریه نیز این عناصر جادویی ذهن مخاطب را درگیر کرده است، در زیر به بیان شاخصه‌های چشمگیر در رمان قریه پرداخته می‌شود.

رنالیسم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی (علی حسن سهراب نژاد و فریبا توان) ۱۴۷

۱.۷ توصیف واقع‌گرایانه جزئیات

از آن‌جا که

بهترین داستان‌های رنالیسم جادویی علاوه بر اتفاقات جادویی با توصیف جزئیات ما را می‌فریبند ادامه دهنده همان سنت رنالیسم است اما به این صورت یکی از خصوصیات رنالیسم توصیفات دقیق را در جهت مخالف با عقیده اصلی رنالیسم یعنی تخیل و جادو به کار می‌برند. مثلاً توصیفات دقیق لورا اسکوتیل در مثل آب برای شکلات طوری است که خواننده به راحتی می‌تواند صحنه را مجسم کند (شوشتری، ۱۳۸۷: ۳۸).

توصیف کردن عاملی مهم در رنالیسم جادویی است و نویسنده با بهره‌گرفتن از عامل تخیل به این صحنه‌ها و تصاویر جان می‌دهد و با توصیفات تخیلی سخنانش را در مرزی از واقعیت و خیال قرار می‌دهد.

رمان قریه را باید به عنوان اثری که خیال را با واقعیت ترکیب کرده به شمار آورد، داستانی که در آن مرز میان رؤیا و واقعیت مشخص نیست. مولایی در این اثر توصیفات همه‌جانبه را ارائه داده است و سعی کرده تا هم خیال و هم واقعیت را در این اثر به کار برد و به درستی این دو را توصیف کند. یکی از خصوصیات رنالیسم جادویی را باید توصیفات واضح و دقیق به‌شمار آورد که باعث می‌گردد تا رمانی همانند قریه با آثاری که وهمی و فانتزی هستند متفاوت باشند. به این دلیل که این توصیفات دنیایی داستانی را خلق می‌کنند که هم به پیشبرد داستان کمک کرده و هم مخاطب را در درک داستان یاری می‌رساند و با آن ارتباط برقرار می‌کند. در واقع داستان‌هایی که در قالب رنالیسم جادویی قرار دارند می‌توانند با توصیف جزئیات ذهن خواننده را به خود مشغول سازند و این همان ادامه دهنده سنت رنالیسم است.

در این تصویر نویسنده در توصیف دو راهی‌ای که باید به قریه وارد شود با نگاهی تیزبین و دقیق این مسیر را توصیف می‌کند. نگاه مولایی به محیطی است که این دوراهی را دربرگرفته است، فصل پاییز و زردی درختان و میوه‌های بلوط در این تصویر زیبایی شگرفی به صحنه داده است. توصیف مسیر نیز نگاه نویسنده به مسیری ناهموار جلب می‌شود و آن را نشان از عدم رفت و آمد مردم روستا در آن ناحیه تلقی می‌کند. صدای پرندگان و سگ‌های آن اطراف نیز نشان از نزدیک شدن شخصیت داستان به قریه دارد، هوای سرد و گیاهانی که رنگ باخته‌اند و آسمانی که چند تکه ابر را دربرگرفته است:

دو راه که به صورت زاویه‌دار از هم دور می‌شدند. یکی از راه‌ها کج و به طرف راست و یکی هم کج و به طرف چپ می‌رفت. اطرافش پر از درخت‌های بلوط بود. درخت‌های بلوطی که رو به زردی می‌رفتند و میوه‌های بلوطشان روی زمین افتاده بود. راه به شکلی نبود که از عبور و مرور زیاد صاف و هموار شده باشد. پیدا بود که مردم آنجا اهل سفر نیستند. صدای پرنده‌ها از نزدیک و واق‌واق سگ‌های قریه از دور می‌آمد. پاییز بود و همه برگ‌های درختان بلوط ریخته بودند. هوا رو به سردی می‌رفت. گیاهان سبز، رنگ باخته بودند. آسمان را چند تکه ابر پراکنده گرفته بود (مولایی، ۱۳۹۹: ۶).

زمانی که شخصیت پسر داستان به وسیله دیوها مجازات می‌شود او را به مکانی که سایر افراد محکوم در آن قرار دارند، می‌برند. در این قسمت مولایی به توصیف جزء به جزء آن مکان و افرادی که در آنجا حضور داشته‌اند می‌پردازد. وی با ترسیم این وضعیت ناگوار و سخت که این افراد بدان دچار شده بودند بر این است تا عمق و ژرفای این فاجعه و گرفتاری در دست دیوان را به نمایش بگذارد. از آنجا که آن مکان و مردمانش با چرک و کثافت به هم آمیخته شده بودند همگی در وضعیتی ناگوار به سر برده و برای همین باید گفت که نویسنده با گزینش درست و صحیح کلمات در کنار همدیگر اوضاع وهمناک آنجا را توصیف می‌کند، توصیفات دقیقی که مولایی برای روشن شدن شرایط آن مکان بدین شکل آنجا را ترسیم می‌نماید:

وارد زندانی شدم که پر از آدم‌هایی مثل من بود و همه آن‌ها انگشت اشاره نداشتند. هر کدام از آن آدم‌ها را در یک اتاق با میله‌های آهنی گذاشته بودند. اتاق‌های زندان روبه‌روی هم درست شده بودند. مرا نگاه می‌کردند و حرف نمی‌زدند. انگار حرف زدن پادشان رفته باشد. کثیف و چرکین بودند و بوی گند آنجا برایشان عادی شده بود. مرا از میانشان می‌بردند. از فرط لاغر بودن چشم‌هایشان از حدقه درآمده بود. آنقدر آنجا مانده بودند که همه آن‌ها صورت‌هایی شبیه به هم پیدا کرده بودند. شاید همه آن‌ها برادرند! جای شلاق‌های روی تنشان را که می‌دیدم درد الانم را فراموش می‌کردم و خیره به دردهای آینده‌ای می‌شدم که انتظارم را می‌کشیدند. هر کدامشان آینه و آینده من در این جهنم بود (همان: ۱۱۱).

۲.۷ بهره‌مندی از عامل جادو و جن در رنالیسم جادویی

اغلب آثاری که در زمینه رنالیسم جادویی نوشته شده‌اند نظریه‌هایی ضد حاکمیت موجود بر جامعه در آن‌ها به چشم می‌خورد. برای همین سعی می‌کنند به وسیله جادو نگرش خود را بیان کنند، یعنی به شکل غیرمستقیم بر ضد حاکمیت و نظام اشتباه و نادرست سیاسی و اجتماعی سخن می‌گویند. تمام این داستان‌ها باعث می‌گردد تا دیدگاه آدمی نسبت به اتفاقاتی که در اطراف رخ می‌دهد بازتر گردد و با تیزبینی و موشکافی محیط اطراف را از نظر بگذرانند و به وی قدرت بیان و آزادی در مقابل نظام فاسد اجتماعی و زورگویی و استبداد حاکمان آن سرزمین را بدهد

درواقع در این‌گونه از داستان‌هایی که به این سبک نوشته می‌شوند، نویسنده سعی می‌کند با یک پدیده و عنصر جادویی و غیرواقعی ایده و افکار خود را بیان کند و اعتراض و مخالفت خود را علیه نظام حاکم به شیوه رمزی اعلام کند تا باعث مشکل و اتفاقی برای او نشود و با همین گونه طرز تفکر و بیان اندیشه بهتر به هدف خود می‌رسد و از طرفی دیگر مردم بیشتر به سمت این چنین داستان‌هایی کشیده می‌شوند و پربیننده‌ترین داستان‌ها می‌شوند و مردم از خیلی چیزهایی که در جامعه ناگفته مانده است درواقع جو حاکم بر جامعه نگذاشته است مطلع می‌شوند. همه این نویسندگان در برهه‌های تاریخی پرتلاطمی زیسته‌اند که به نظر خودشان صرفاً از طریق بیان مستقیم و واقع‌گرا نمی‌شده که مسایل را آن‌طور که باید و شاید بیان کرد (لاج، ۱۳۸۸: ۲۰۳).

جادو درواقع همان نوسان و اغراقی به شمار می‌رود که آدمی با آن زندگی می‌کند، درواقع بشر تنها قانون‌های طبیعت را می‌شناسد و آن هنگام که حادثه‌ای غیرطبیعی به لحاظ ظاهری برای وی اتفاق افتد درمقابل این حادثه عجیب و غریب به بهت و حیرت دچار می‌گردد و باید گفت جادو نیز یکی از مهم‌ترین گزاره‌هایی است که رنالیسم جادویی را شکل می‌دهد. استفاده از جنیان در داستان نیز عاملی چشمگیر است. شخصیت اصلی داستان در ابتدا به واسطه پیرمرد که از گروه اجنه است با دختری زیبا که او نیز جن می‌باشد، آشنا می‌گردد. دوستی خیالی که به عنوان همراه شخصیت داستان قصد دارد تا طلسم را از خانه کدخدا دزدیده و برای پیرمرد بیاورند. درواقع ظاهرشدن جن در قالب دختری زیبا به این منظور است که پسر داستان

را برای رسیدن به هدف، با خود همراه سازد و مولایی در ارتباط این دو نفر با هم وجود جنیان را ترسیم کرده است:

با حالتی احمقانه پرسیدم:

- چرا اوادم؟ باید به مدرسه برم.

- می‌خوام دوستی را به تو معرفی کنم. یه دوست زیبا و مهربان که همیشه همراهِ باشه و به تو کمک کنه.

توضیحاتش را ادامه داد و ادامه داد. کامل و مفصل به آن‌ها می‌افزود تا وقتی که به این جمله رسید:

- می‌خوام دختری زیبا رو با تو آشنا کنم.

مقدمه چینی‌هایش را بی‌نقص انجام داده بود. به اندازه کافی غریزه جنسی و جسارتش را تحریک کرده بود، تا خیلی خونسرد قبول کرده باشم. وقتی ذهنم را کاملاً آماده دیدن آن دختر دید سخنی به زبان آورد که بعدها فهمیدم که به زبان جنیان حرف زده است. حتی نتوانستم جمله‌اش را به‌خاطر بسپارم. بعد از آن دختری به سمت ما آمد. از پشت همان درخت بلوط بزرگی که شغال از آنجا بیرون آمد و به سرزمین دیوها رفت. لباسی ابریشمی، سفید و زیبا بر تن داشت که حتی بر تن زنان ثروتمندترین مردان شهر نیز ندیده بودم. لباسی زیبا که به اندام زیبایش جلا و شکوه می‌داد... (مولایی، ۱۳۹۹: ۲۸-۲۷).

باید این امر را بیان کرد که

در رئالیسم جادویی، جادو به معنی طلسم و افسون کردن یا زیر نفوذ آوردن واقعیت نیست بلکه به معنی گذشتن از مرزهای ناب و صرف اوضاع واقعی است، به گونه‌ای که به قسمتی از وضع جدید تبدیل می‌شود؛ به عبارت دیگر واقعیت جا عوض می‌کند و به حالت خاص جادویی تبدیل می‌شود... رئالیسم جادویی باید طبیعی، غیرقابل توضیح و غیرقابل پیش‌بینی باشد (دانشگر، ۱۳۹۷: ۶۲).

دخالت عناصر جادویی در مرگ روژین باعث می‌شود تا وی مرگی سخت و ماورایی را تجربه کند، مرگی که با بروز لکه‌های سیاه بر روی بدن وی نشان داده می‌شود و حتی خال‌های وی نیز دیگر اثر جادویی خود را از دست داده و روژین با سوختن در تب جان خود را از دست می‌دهد؛ شاید یکی از دلایل مرگ سخت وی که با جادو آمیخته شده انتقام اینانا از وی

رنالیم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی (علی حسن سهراب نژاد و فریبا توان) ۱۵۱

به دلیل کمک نکردن به شخصیت اصلی داستان در رهایی از اعدام باشد، زیرا که اینانا نیز قدرتی جادویی و ماورایی داشته برای همین توانسته بدین صورت روژین را به این وضعیت دچار کند و او را با مرگی سخت روانه آن دنیا کند:

روژین به مرگی مانند مرگ دختر زن قابله‌ای که او را به دنیا آورده بود دچار شد. لکه‌های سیاه نوک قرمز، تمام بدنش را فرا گرفت. خال‌هایش را فدای خلاص شدن از شر بیماری‌اش می‌کرد؛ اما چون بکارتش را از دست داده بود و همسری داشت، - همان‌طور که کوخا در آن روستا سال‌ها قبل گفته بود- اینکار او بی‌فایده بود. روژین شانزده شب در تب شدیدی می‌سوخت. پس از اینکه شانزده شب تمام شد؛ درست در لحظه‌ای که آفتاب اولین نورش را در طلوع روز هفدهم به زمین رساند، روژین مرد (همان: ۲۳۸).

بیان ویژگی‌ها و خصوصیات اجنه و این‌که زندگی آن‌ها با تکرار به پایان می‌رسد از جمله پیشامدهای شگفت‌انگیز در این رمان است که با تخیل نویسنده آمیخته شده و او تصویری از زندگی و روند آن را به نمایش گذاشته و گفته است:

پیر شدن در زندگی جن‌ها معنایی ندارد. آن‌ها وقتی خواهند مرد که زندگی‌شان دچار تکرار شود. به خاطر این قانون، یک روز در ماه اینانا را شگفت‌زده می‌کردم. با هدیه‌ای، مسافرتی و یا لیوانی آب که با عشق به او تقدیم می‌کردم. برای اینکه زندگی‌اش دچار تکرار نشود و پیر نشود (همان: ۲۰۱).

و نیز نک: صص ۳۲ / ۳۵ / ۳۰ / ۵۴ / ۸۷ / ۱۰۱ و ...

۳.۷ استفاده از تخیل و توهم در تعادل با واقعیت

یکی از مواردی که در رنالیسم جادویی نقشی مهم را ایفا می‌کند استفاده نویسنده از عامل تخیل است که سبب می‌شود تا شاخصه‌های شگفت و غیرقابل باور پیش چشمان مخاطب ترسیم شوند. تخیل سبب غنابخشیدن به متن داستانی می‌گردد و رویه‌ای دیگر از نگرش یک نویسنده را به مخاطب نشان می‌دهد.

در این شیوه از داستان‌نویسی رخدادها و شخصیت‌ها در هر دو جهان واقعی و فراواقعی زندگی می‌کنند و به هنگام انتقال از جهان واقعی به جهان فراواقعی دچار بهت و هیجان

نمی‌شوند. بنابراین در آثار نوشته شده به سبک رئالیسم جادویی، از سویی نمی‌توان مرزبندی مشخصی میان جهان واقعی و جهان خیالی ترسیم کرد و از سوی دیگر در آن‌ها رخدادها کاملاً طبیعی و باورپذیر جلوه می‌کنند (بی‌نیاز، ۱۳۸۷: ۲۵۴).

در این‌جا شخصیت داستان شغالی را می‌بیند که از میان تنه درخت بیرون آمده و در حین فرار کردن به ناگهان در همان جاده غیب می‌شود و این تخیل‌آمیز است که حیوان در حین دویدن ناپدید گردد و سبب هراس و ترس پسر داستان شود، زیرا که وی با این چنین صحنه‌ای مواجه نشده و این چون در ارتباط با جنیان بوده برای وی عجیب و شگرف است:

درست بعد از تمام شدن سخنانش شغالی از سوراخ تنه درخت بلوطی پیر بیرون آمد و از راه سمت راست وارد دوراهی شد تا فرار کند. شغال درحالی‌که داشت می‌دوید و فرار می‌کرد، ناگهان غیب شد. بیشتر از قبل ترسیدم؛ چرا که در شهر چنین چیزی را ندیده و نشنیده بودم (مولایی، ۱۳۹۹: ۸).

باید این امر را بیان کرد که در رئالیسم جادویی «نگارش نویسنده به گونه‌ای است که گویی مخاطب باید فراواقعی بودن خیالات شخصیت‌ها را باور کند» (حجازی، ۱۳۹۴: ۹۶). انس شخصیت اصلی داستان به توهمات و خیالی که در ارتباط با جن زیبا برای وی پیش می‌آید سبب می‌گردد تا او عقل و هوش خود را در معرض خطر ببیند و در عالم توهم وارد شود. حتی در زمان نگاه کردن آن دختر به پسر داستان وی توان نگاه کردن به وی را نیز از دست می‌دهد و در شرایطی سخت قرار می‌گیرد:

عقل و هوشم را از دست داده بودم. وقتی نزدیک شد و پشت سر پیرمرد ایستاد و با آن چشمان زیبا و آبی رنگ مرا نگاه می‌کرد تمام تنم می‌لرزید. حتی بیشتر از شب قبل می‌لرزیدم. پیرمرد جملاتش را ادامه داد:

– شرط اینکه او با تو باشه اینه که او رو با خودت به قریه ببری و به جاهایی که دوست داره بری یا عبور کنی (همان: ۲۹).

در رمان قریه خواننده می‌تواند به فضای وهم‌آلود و ترسی که شخصیت داستان از روبه‌روشدنش با دیوان احساس می‌کند، پی برد. زمانی که وی هیچ راه و چاره‌ای را مقابل خود نمی‌بیند و راه نجاتش را در خودکشی می‌بیند و معتقد است که با کشتن خود، از این وضعیت

رنالیسم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی (علی حسن سهراب نژاد و فریبا توان) ۱۵۳

رهایی پیدا می‌کند. چرا که تخیل و ترس و توهم با هم ترکیب شده و این چنین فضایی را شکل داده‌اند:

پنج کلمه در قالب سه جمله تمام شرح او از این سرزمین نفرت‌انگیز بود. از این هجمه تنهایی می‌لرزیدم. شاید بتوانم فردا وقتی که بردگی می‌کنیم خودکشی کنم. اما آیا جرئت خودکشی کردن را خواهم داشت؟ آیا برده‌ها حق خودکشی کردن دارند؟ قلبم هنوز برای پری می‌تپد. با این قلب آکنده از عشق نمی‌توان خودکشی کرد. می‌ترسیدم با خودکشی در این سرزمین روحم نیز در اینجا به اسارت گرفته شود. روح را که دیگر نمی‌توان کشت؟ (همان: ۱۱۴).

و نیز نک: صص ۹ / ۱۰ / ۲۸ / ۳۱ / ۳۶ / ۵۴ و ...

۴.۷ نقش طلسم و دیو در رنالیسم جادویی

استفاده کردن از طلسم گفتار توسط ناکو باعث شد تا کدخدا نیز به ازدواج وی با گلاره رضایت دهد و پری نیز با آگاهی دادن به پسر داستان در این زمینه، نقش طلسم و گیرابودن آن را گوشزد می‌کند:

پری درحالی که در اتاق به دنبال طلسم می‌گشت گفت: «طلسم گفتار به همین خاطر» (همان: ۷۲).

و نیز نک: صص ۱۱۵ / ۱۴۴ / ۲۰۳ / ۵۶۱ / ۱۰۵ / ۱۰۶ / ۹۹ / ۱۰۷ و ...

۵.۷ حوادث شگفت‌انگیز در رنالیسم جادویی

یکی از حوادث شگرف در این داستان را باید ارتباط میان خواستگارهای روزین و تغییر کردن ظاهر آن‌ها دانست، یعنی روزین با جواب ندادن به این خواستگارها باعث شده بود تا آن پسرها تغییراتی عجیب را در ظاهر خود مشاهده کنند و از زندگی عادی و معمولی خود دور شوند. پسرهایی لاغر با موهای سفید و چشمان گود و دماغ بزرگ که همگی منتظر جواب روزین بودند اما وی با سکوت خود آن‌ها را بدین شکل و شمایل درآورده بود و حرفی نمی‌زد:

چندبار دیگر هم آمد که فقط گلایه‌ای کند و غمی به دست بادی بدهد که از خانه ما می‌گذشت. هرچه زمان می‌گذشت، آن پسرهای بیچاره لاغرتر و خمیده‌تر می‌شدند. موهایشان سفید، چشم‌هایشان گود و دماغشان بزرگ شده بود. خانواده‌های آن‌ها اعتراض زیادی به من و گولثرو می‌کردند تا هرچه زودتر تکلیف آن‌ها روشن شود و پسرها به مسیر زندگی عادی که داشتند برگردند (همان: ۱۶۵).

و نیز نک: صص ۲۰۶ / ۱۱۴ / ۲۰۹ / و ...

۶.۷ دوگانگی و تقابل

زمانی که شخصیت پسر داستان با جن‌زاده انس می‌گیرد احساسی دوگانه و متقابل وجود وی را فرامی‌گیرد به طوری که از یک طرف خود را گناه‌کار از ارتباط با جن‌زاده می‌بیند و از طرفی زیبایی دختر وی را مسحور کرده و او توان جداشدن از آن جن را ندارد. یعنی زمانی که پسر داستان قصد اندیشیدن به رفتار خود را دارد و آن را به عنوان خیانت برداشت می‌کند حضور جن سبب می‌گردد تا وی مردد شود و باز هم در این میانه با شک و تردید به پیش برود. یعنی جن به عنوان عنصری تخیلی و فراواقعی چنان در ذهن و وجود شخصیت پسر داستان رسوخ کرده که تناقض و تعارض‌های درونی و بیرونی‌اش را با حقایق و مسائل و مفاهیم ملموس از دست می‌دهد و به گونه‌ای دیگر از واقعیت که در منطق داستان قابل پذیرش است، تبدیل می‌گردد:

بعد از مدتی احساس کردم که کار من خیانتی است به خانواده، مردم و سرزمینم. هیچ دلیل و منطقی برای پیدایش چنین احساس و تفکری نداشتم. همان‌طور که هیچ دلیلی برای ترسیدنم از پیرمرد در دوراهی برای اولین‌بار و ترسیدنم از پیرمرد در دوراهی برای دومین‌بار داشتم. اما این احساس مرا در آغوش می‌کشید. هر بار که این احساس مرا فرامی‌گرفت پری رویه‌روی چشمان بالغ شده‌ام می‌نشست و مانع از کودتای درونم می‌شد. کارش را به بهترین شکل ممکن انجام می‌داد (همان: ۳۱).

و نیز نک: صص ۸۳ / ۱۰۰ / ۱۰۹ / ۱۱۶ / ۱۲۱ / و ...

رناليسم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی (علی حسن سهراب نژاد و فریبا توان) ۱۵۵

۷.۷ نمادگرایی و رازگونی

در رمان قریه باید کدخدا را به عنوان شخصیتی نمادین محسوب کرد، در واقع وی نماد روح ملکوتی انسان به شمار می‌رود که با جسم پیوند و ارتباط برقرار کرده است. وی از یک سوی به نیروهای معنوی وصل است و از طرف دیگر دغدغه زمینیان و اهالی قریه را در سر دارد. یعنی هم زان جنیان را می‌فهمد و هم مؤظف است از اهالی قریه در مقابل آن‌ها محافظ کند:

کدخدا آرام و بی‌رمق افتاده بود. سکوت کرده بودیم. نمی‌خواستیم از او سؤالی بپرسیم تا متوجه افکار پلیدی که این مدت برایش در سر می‌پرورانده‌ام شود. وقتی توانش دوباره به حالت قبل بازگشت مرتب و باوقار نشست. گردن‌آویز را به گردنم انداخت. گردن‌آویزی که کلیدی زنگ زده به انتهایش وصل شده بود. طلسم را سرچایش گذاشت. در آن را قفل کرد و آن را هم پیش رویم گذاشت و گفت:

– می‌دونم به‌خاطر قبول کردن نگهبانی از طلسم از تو سؤالی نپرسیدم و اجازه نگرفتم. اما چاره‌ای جز همین نبود. دیشب همهٔ اجدادم به صف ایستاده بودن. خواستن که طلسم رو به کسی بدم که برام نون میاره و بعد به آن‌ها ملحق بشم (مولایی، ۱۳۹۹: ۸۹-۸۸).

و نیز نک: صص ۸۲/۹۳/۱۵۹/۳۲/۶۱/۱۵/۱۶۳ و ...

۸.۷ کشمکش

کشمکش در رمان قریه نیز هم شامل کشمکش درونی و هم بیرونی است و این عامل سبب می‌شود تا مخاطب با دغدغه‌های ذهنی زیادی روبه‌رو شود. باید گفت که کشمکش در رناليسم جادویی تلاش برای قبولاندن امری ماورا طبیعی در کالبد امری طبیعی به مخاطب است. آنچه در این رمان به کشمکش گذاشته می‌شود ملاقات کردن شخصیت داستان با اجنه است، یعنی شخصیت اصلی داستان از آن پیرمرد که بر سر دوراهی است می‌پرسد که تو کی هستی و چرا به سراغ من آمده‌ای؟ و وی نیز می‌خواهد که به شخصیت اصلی داستان بقبولاند که او توانایی ارتباط با اجنه را دارد و باید در پیدا کردن طلسم در خانهٔ کدخدا به وی یاری برساند:

پیرمرد پس از چند ملاقات و پس از مقدمه‌های فراوان در مورد طلسمی که در قریه وجود دارد، برایمان گفت و می‌خواست آن‌ها را به کمک پری به دست بیاورم. تمام این دوستی‌ها و رفتن به دو راهی‌ها برای به‌دست‌آوردن طلسمی بود که در خانهٔ کدخدا پنهان شده بود.

کدخدایی که من به دلیل قوانین مضحکی که برای ماندن ما در قریه وضع کرده بود، احساس خوشایندی نسبت به او نداشتم (مولایی، ۱۳۹۹: ۳۰).

و نیز نک: صص ۱۰۲ / ۱۱۱

۹.۷ سکوت اختیاری

در داستان‌هایی که به سبک رئالیسم جادویی نوشته شده‌اند «سکوت اختیاری باورپذیری داستان را برای مخاطب بیشتر می‌کند. خواننده داستان با راوی همراه می‌شود و سخنان وی را باور می‌کند، هر چند می‌داند در واقعیت این سخنان غیرطبیعی و غیرقابل باور است» (دانشگر، ۱۳۹۷: ۶۵). اینکه دیوها در برخورد با انسان‌ها انگشت آن‌ها را قطع کرده و به زجر و آزار آن‌ها پرداخته‌اند حادثه‌ای است که نویسنده آن را به صورت عادی بیان می‌کند و نظر خود را در لابه‌لای این حادثه مبنی بر عجیب بودن ارتباط میان انسان و دیوها بیان نمی‌کند. نویسنده ترجیح می‌دهد تا سکوت اختیاری را در این تصاویر در پیش بگیرد و داستان را به صورت کاملاً معمولی توصیف کند:

دیوها انگشت اشاره ما رو قطع می‌کنن چونکه اعتقاد دارن با اینکار دیگه نمی‌تونیم به‌خاطر بلاهایی که سرمون آوردن محکومشون کنیم. می‌ترسن از اینکه روزی در پیشگاه عدالت قرار بگیرن و به همین خاطر انگشت‌های اشاره دست ما رو قطع می‌کنن (همان: ۱۱۴).

و نیز نک: صص ۷۲ / ۱۴۴

۱۰.۷ زمان‌مندی خاص

در داستان قریه زمان حرکتی خطی ندارد و شخصیتی همانند پیرمرد جن‌زاده را به عنوان فردی با هزار سال عمر ترسیم می‌کند و هیچ آسیبی نیز به منطق و اصل رئالیستی رمان وارد نمی‌شود و می‌توان این سن و هزار ساله بودن مرد را در روند داستان قبول کرد:

نگاه کردن به چشم‌هایم متوجه شد که ترسیده‌ام. می‌خواستم با صحبت کردن، ترسم را پنهان کنم و خیلی احمقانه از او پرسیدم که چند سال دارد. او خیلی سرد جواب داد که هزار سال دارد. هزار سال زنده مانده بود! اما جوان‌تر به‌نظر می‌رسید (مولایی، ۱۳۹۹: ۸).

رنالیم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی (علی حسن سهراب نژاد و فریبا توان) ۱۵۷

و نیز نک: ۱۱۵ / ۱۲۲ / ۱۵۰ / ۱۵۲ و ...

۱۱.۷ اغراق و مبالغه

نویسنده زمانی که مرگ کدخدا را ترسیم می‌کند با بهره بردن از عنصر اغراق و مبالغه شدت اندوه موجودات مختلف در مرگ این مرد را نشان می‌دهد. عنصر مبالغه برای هیجان بخشیدن به متن داستان و دریافتن عمق و ژرفای موضوع مورد نظر برای مخاطب است که در این جا به کار برده شده است. در جایی که درختان بلوط از مرگ کدخدا خشک شده و حیوانات مختلف در اثر این امر یا مرده یا قریه را ترک کرده‌اند و به نوعی این سخنان با اغراقی عمیق آمیخته شده‌اند:

تمام بلوط‌هایی که سنان با سن کدخدا برابر بود و تمام بلوط‌هایی که سنان سه برابر و هفت برابر و تمام بلوط‌هایی که کدخدا زیر سایه‌شان نشسته بود خشک شدند. کلاغ‌هایی که کدخدا را دیده بودند و گنجشک‌هایی که بر بام خانه‌شان نشسته بودند هم مردند. سگ‌هایی که هر روز دم در خانه کدخدا جمع می‌شدند تا بوی خانه کدخدا به مشامشان برسد و نانی از دست‌های او بگیرند، با واق‌واق کردن‌های بسیار و مداوم قریه را ترک کردند. سال‌ها بعد آن سگ‌ها را دیدم که برای کدخدا زوزه می‌کشیدند. هستی برای کدخدا به عزا نشست (همان: ۹۱).

و نیز نک: ۹۱ / ۱۱۰ / ۱۵۷ / ۱۵۹ / ۱۷۱ و ...

۱۲.۷ آداب و رسوم بومی و خرافه‌ها

اشاره کردن به باورها و عقایدی که در میان یک قوم و یا سرزمین وجود دارد نشانی از فرهنگ آن منطقه به شمار می‌رود، در این جا نیز راوی می‌گوید که مادرش نسبت به زمان مردن قورباغه‌ها این نظر را دارد که نباید به چشمان آن‌ها نگاه کرد زیرا در صورت نگاه کردن به نفرین شخص می‌پردازند و شاید بتوان آن را به عنوان بخشی از خرافه‌های یک سرزمین عنوان کرد:

«مادرم می‌گفت: قورباغه‌ها وقتی می‌میرن آدمو نفرین می‌کنن. نباید به چشم‌هاشون نگاه کنی تا نفرینشون بی‌تأثیر بمونه» (مولایی، ۱۳۹۹: ۲۳).

جدول ۱. توصیف واقع‌گرایانه جزئیات در رمان قریه

شماره صفحه	توصیف واقع‌گرایانه جزئیات
۱۵	توصیف درختان بلوط و تصاویری رؤیایی.
۸۸	ترسیم حرکات کدخدا و اجزای صورت وی.
۱۵۵	توصیف وضعیت زنان که جایگاهی در جامعه نداشته‌اند.
۲۱۲	ترسیم درختان جادویی که نویسنده با استفاده از تخیل ژرف خود، آن درختان را دارای احساس می‌داند.
۲۱۳	توصیف خانه پدری با چیدمانی زیبا

جدول ۲. بهره‌مندی از عامل جن و جادو در رمان قریه

شماره صفحه	بهره‌مندی از عامل جن و جادو
۳۲	ترسیم قدرت ماورایی اجنه و شنیدن صداها درباره خود
۵۱	ارتباط اجنه با انسان‌ها
۸۷	وردهای مربوط به اجنه
۱۲۴	قرار گرفتن اجنه در هیئت و صورت‌های مختلف
۱۳۲	عجین شدن وجود انسان‌ها با عامل جادو

جدول ۳. استفاده از تخیل و توهم در تعامل با واقعیت

شماره صفحه	استفاده از تخیل و توهم
۸	فرارکردن شغال و غیب شدن ناگهانی آن
۹	واردشدن روباه به جهان دیوها
۲۸-۲۹	روبه‌رو شدن با زیبایی پری و دست دادن توهم به شخصیت اصلی داستان
۳۱	گم شدن در هیروت
۶۶	تبدیل شدن اشک به پروانه

رناليسم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی (علی حسن سهراب نژاد و فریبا توان) ۱۵۹

جدول ۴. بهره‌مندی از نقش طلسم و دیو در رمان قریه

شماره صفحه	نقش طلسم و دیو
۳۶	استفاده از طلسم در جهت برهم زدن تمرکز اجنه
۱۱۵	طلسم و نجات جان انسان
۱۴۴	طلسم و تأثیر بر زندگی مردم
۲۰۳-۲۰۴	طلسم شدن شخصیت های داستانی
۱۳۲	هیبت ترسناک دیوان
۱۰۶ و ۹۹	عجایب و گنگی در سرزمین دیوان
۱۰۸-۱۰۷	ظاهر عجیب و کثیف دیوها
۱۲۴	ارتباط بین طلسم و اجنه
۲۰۷	گیرایی طلسم

جدول ۵. حوادث شگفت انگیز

شماره صفحه	حوادث شگفت انگیز
۱۶۶	تغییر چهره شخصیت های داستانی با اعمال جادویی
۱۷۰	اژدها در جعبه جادویی
۲۰۶	خودکشی و رستگاری
۲۰۹	برداشته شدن بکارت و شکافته شدن کوه
۱۱۴	جهان جادویی و طبیعی دیوان

جدول ۶. دوگانگی و تقابل

شماره صفحه	دوگانگی و تقابل
۳۰	دوگانگی شخصیت اصلی داستان
۱۰۰	داشتن حس عشق و نفرت به صورت همزمان
۱۰۹	تعالی و پوچی راوی داستان به عنوان دوگانگی
۱۱۶	تقابل میان آزادی و اسارت

شماره صفحه	دوگانگی و تقابل
۳۰	دوگانگی شخصیت اصلی داستان
۱۰۰	داشتن حس عشق و نفرت به صورت همزمان
۱۰۹	تعالی و پوچی راوی داستان به عنوان دوگانگی
۱۱۶	تقابل میان آزادی و اسارت
۱۲۱	تقابل میان غم و شادی
۱۲۱	تقابل میان محیط روستایی و شهری
۱۴۳	تقابل میان واقعیت و خیال
۱۵۹	تقابل میان دو گروه جنیان و انسانها
۱۶۹	تقابل میان دویست سال قبل و دویست سال بعد
۱۸۸	تقابل و دوگانگی در رفتار روژین

جدول ۷. نمادگرایی و رازگونگی

شماره صفحه	نمادگرایی و رازگونگی
۴۹	پیرمرد جنزاده نمادی از شر و اهریمن
۹۳	پیرمرد نمادی از ظلم و ستم
۱۵۹	دیو نماد ستمگری
۳۲-۴۰-۶۱	رازگونگی زنی سوار بر اسب
۱۲-۱۵	رازگونگی نام شخصیت اصلی داستان
۱۶۳	کرمهای ابریشم نماد آزادی
۲۳۰-۲۳۷	مردم نمادی از افراد نادان و ظاهرین

جدول ۸ کشمکش

شماره صفحه	کشمکش
۹۲	گفتگوی درونی راوی با خود بر سر دروغ گفتنش
۱۰۲-۱۰۶	رفتن راوی به سرزمین اجنه و کشمکش با خود
۱۱۰-۱۱۱	کشمکش ذهنی راوی در سرزمین دیوها

رنالیم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی (علی حسن سهراب نژاد و فریبا توان) ۱۶۱

جدول ۹. سکوت اختیاری

شماره صفحه	سکوت اختیاری
۳۵	سکوت نویسنده درباره پیشامدهایی که در دنیای اجنه رخ داد
۱۱۴	سکوت اختیاری مولایی در سرزمین دیوها
۷۱-۷۲	صحبت کردن عادی با اجنه
۱۴۴	سکوت نویسنده درباره حوادث طبیعی و غیرطبیعی

جدول ۱۰. زمانمندی خاص

شماره صفحه	زمانمندی خاص
۱۰۵	زمان داستان با زمان روایت برابر نیست
۱۱۵	زمان در حال حرکت است
۱۲۲	گذشتن زمان بدون اینکه چیزی عوض شود
۱۵۰-۱۵۱	جابه‌جایی زمان
۱۵۲	پرش زمانی به گذشته
۱۵۴	سفر در زمان
۱۵۵-۱۵۶	در هم شکستن سیر خطی زمان
۱۹۶	نشان دادن زمانی ذهنی یا درونی

جدول ۱۱. اغراق و مبالغه

شماره صفحه	زمانمندی خاص
۵۷	فریاد اغراق آمیز ناکو
۹۷	آمیخته شدن بدن ناکو با بدن کلدخدا
۱۱۰	خوردن عنکبوت و انسان به صورت خام
۱۵۹	جوان شدن ناگهانی راوی
۱۵۷	اشک‌ها سبب خشکی‌شدن درخت
۱۷۱	دیدن ستارگان در روز با چشمان بسته

شماره صفحه	زمانمندی خاص
۱۹۲	مبالغه در گرسنگی روژین
۲۰۱	ترسیم وقایع اغراق‌آمیز در مرگ ناکو و همسرش گلاره
۲۲۰	پرواز انسان
۲۲۳	ملاقات راوی با ۱۶ روح
۱۵۳	اعدام به خاطر له کردن لانه مورچه‌ها

جدول ۱۲. اغراق و مبالغه

شماره صفحه	آداب و رسوم بومی و خرافه
۱۰۱	نگاه کردن راوی به قورباغه‌ها و پس دادن تاوان
۳۶	ریختن آب داغ در زمین و مردن پریان
۴۸	دست نزدن مرد مجرد به برنج‌ها
۴۷-۶۹	طلسم آلت گفتار
۸۳	جن‌ها از سوزن هراس دارند
۱۲۳	ردیف شدن استکان‌ها و آمدن مهمان
۱۲۹	مهره مار و چاره نازایی
۱۳۶	شوم بودن حمام در خانه
۱۷۸	اعتقاد به نفرین
۲۱۳	رقصی مرسوم به هله‌په‌رگه
۱۵۰-۲۲۷	واکنش جنیان نسبت به سوزن

۸. نتیجه‌گیری

محمد مولایی به عنوان یکی از نویسندگان ایلامی در رمان قریه از شیوه رئالیسم جادویی در این اثر بهره برده است. یعنی وی سعی کرده است در این کتاب عناصر حقیقی را با عواملی همانند جادو، جن، دیو و تخیل و... درهم آمیزد و تصاویری نغز را خلق کند. وی با پرداختن به مسائل روستایی که در مکانی به نام قریه رخ می‌دهد دست به آفرینش رئالیسم جادویی زده

رنالیسم جادویی در رمان قریه از محمد مولایی (علی حسن سهراب نژاد و فریبا توان) ۱۶۳

است. یعنی در واقع در این فضا نویسنده مجال بیشتری را برای ترسیم گستردگی واقعیت‌ها و آمیختن آن با فراواقعیت‌ها داشته است زیرا که ساکنان قریه و راوی به دلیل عدم ارتباط زیاد با دنیای بیرون یا همان مناطق شهری، و نیز پیوند مستمر و همیشگی با طبیعت، حضور جادو، جن، دیو، باورها و آداب‌ها و ... به جزئی مهم از زندگی روزمره آن‌ها تبدیل شده است و واقعیت زندگی آن‌ها در این منطقه شکل گرفته است. ذهنیت مولایی در ترسیم رنالیسم جادویی در رمان قریه ریشه در باورها و اندیشه‌هایی دارد که با فراطبیعت و متافیزیک عجین شده است، یعنی همان مفاهیمی که در سنت و فرهنگ ایران ریشه دوانیده است. مولایی از شاخصه‌هایی چون توصیف واقع‌گرایانه جزئیات، نقش طلسم و دیو، بهره‌مندی از عامل جادو و جن، استفاده از تخیل و توهم، حوادث شگفت‌انگیز، دوگانگی و تقابل، نمادگرایی و رازگونگی، کشمکش، سکوت اختیاری، زمانمندی خاص، اغراق و مبالغه و آداب و رسوم بومی و خرافه‌ها استفاده کرده است. در توصیف دقیق و واقع‌گرایانه جزئیات، نویسنده تصویری روشن را از اتفاقات و پیشامدها ترسیم کند و بتواند در لابه‌لای این توصیفات، فضای وهم‌آلودی که راوی داستان در آن گرفتار شده است را بیان کند. نویسنده رنالیسم جادویی را با طلسم و دیو در پیوند قرار می‌دهد. طلسم‌هایی که گاه نقشی حیاتی در رقم زدن سرنوشت یک فرد دارند و نبود آن نیز می‌تواند فجایعی را به باور آورد. دیوها در این رمان راوی را به حوادثی سخت دچار می‌سازند و این می‌تواند نقش انکارناپذیر آن‌ها را در رنالیسم جادویی نشان دهد. عناصر وهم‌آلود که با تخیل آمیخته شده‌اند و در مرزی میان حقیقت و خیال قرار دارند در این رمان به خوبی بیان شده‌اند. دو عنصر جادو و جن در رمان قریه بسامدی بالا داشته‌اند و در واقع روند اصلی داستان بر مدار تصمیمات اجنه و درگیر کردن راوی با جنیان می‌گردد. رمان قریه مولایی از دوگانگی و تقابل میان عناصر مختلف بهره برده است و با کنار هم قرار دادن عوامل متضاد سعی کرده تا وقایع و پیشامدهای ناهمگون را در فضایی تخیلی و جادویی نشان دهد. دوگانگی در شخصیت‌های داستانی و به خصوص راوی، در این تقابل نمود پیدا کرده است. یکی دیگر از شاخصه‌ها که در رمان قریه بدان پرداخته شده، استفاده از نمادهای گوناگون در جهت نشان‌دادن حقیقت و واقعیت آن موضوع بوده است. یعنی در قالب نماد سعی کرده تا مفهوم مورد نظر را شرح دهد و به درکی درست از آن دست یابد. کشمکش‌های مختلف میان عناصر داستانی یکی دیگر از این مفاهیم است که می‌تواند بر جنبه هیجانی داستان بیافزاید که گاه درونی و گاه بیرونی هستند. نویسنده هم‌چنین از سکوت اختیاری نیز استفاده کرده و سعی

نموده تا بدون درگیر کردن خود و نظر دادن در اصل ماجرا، قضاوت را بر عهده مخاطب بگذارد و نظرات خود را ایراد نکند. یکی از عناصری که در رئالیسم جادویی می‌تواند نقشی مهم و اساسی داشته باشد، عنصر اغراق و مبالغه است، در واقع زندگی با اجنه و گروه دیوها این امکان را به وجود می‌آورد که نویسنده از مبالغه بهره برد و پیشامدها را با زبانی اغراق‌آمیز ترسیم کند. هم‌چنین ترسیم برخی از آداب و باورها نیز در رمان قریه دیده می‌شود، باورهایی که گاه در فرهنگ‌های سایر اقوام نیز دیده می‌شود و این عامل از نگاه تیزبین نویسنده دور نمانده است.

کتاب‌نامه

- بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۸۷)؛ درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی، تهران: افراز.
- پورنامداریان، تقی و مریم سیدان (۱۳۸۸)؛ بازتاب رئالیسم جادویی در داستان‌های غلامحسین ساعدی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، شماره ۶۴، صص ۶۴-۴۵.
- حجازی، بهجت السادات (۱۳۹۴)؛ نشانه‌های رئالیسم جادویی در رمان من او، نشریه ادب و زبان، سال ۱۸، شماره ۳۸، پاییز و زمستان، صص ۱۰۳-۸۱.
- حنیف، محمد و محسن (۱۳۹۷)؛ بومی‌سازی رئالیسم جادویی در ایران، تهران: علمی و فرهنگی.
- دانشگر، آذر (۱۳۹۷)؛ بررسی رئالیسم جادویی در رمان پرباد اثر محمد علی علومی، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، دوره ۷، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۷۸-۵۹.
- سیدحسینی، رضا (۱۳۸۱)؛ مکتب‌های ادبی، چ دوازدهم، تهران: نگاه.
- شوشتری، منصوره (۱۳۸۷)؛ رئالیسم جادویی، واقعیت خیال‌انگیز، فصلنامه هنر، شماره ۷۵، بهار، صص ۴۴-۳۲.
- صفری، جهانگیر و دیگران (۱۳۹۰)؛ پیوند متون عرفان با رئالیسم جادویی، مطالعات عرفانی، شماره ۱۴، صص ۱۲۲-۱۰۵.
- لاج، دیوید (۱۳۸۸)؛ هنر داستان‌نویسی، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر نی.
- محمدی، محمدهادی (۱۳۷۸)؛ روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان، تهران: سروش.
- موسوی‌نیا، نورا (۱۳۸۴)؛ اسطوره و رئالیسم جادویی، کتاب ماه هنر، مرداد و شهریور، صص ۱۶۴-۱۶۰.
- مولایی، محمد (۱۳۹۹)، قریه، تهران: اندیشه احسان.
- میرصادقی، جمال و میمنت (۱۳۷۷)؛ واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، تهران: مهناز.
- نیکویخت، ناصر و رامین‌نیا، مریم (۱۳۸۴)؛ بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان اهل غرق، پژوهش‌های ادبی، شماره ۸، تابستان، صص ۱۵۴-۱۳۹.